



**پدرمان
هیچ وقت تکلیف
نمی‌کردند که حتماً پای روضه
باشید، اما می‌گفتند بیاید جای
روضه را بخورید و تا وقتی همه
چای روضه را نمی‌خوریم،
سماور را خاموش
نمی‌کردند**

داشتند. ایشان به من گفتند این بیانی که دارید امانت همان ۴۰ شب است، پس به درستی از آن مراقبت کنید!

با توجه به آنچه که از سبک زندگی تان می‌گویید، آیا در خانه شما هیئت خانوادگی هم داشتید؟

ما هر پنج‌شنبه روضه خانگی داشتیم و پدرم چند خطیب دعوت می‌کردند. شاید گاهی مستمعان ۳، ۴ نفر بودند، اما ۳ سخنران همیشه حضور داشتند. آن زمان، ما بچه بودیم و برای آمدن خواهرهای بزرگ‌تر هم اجباری نبود. پدرمان هیچ وقت تکلیف نمی‌کردند که حتماً پای روضه باشید، اما می‌گفتند بیاید جای روضه را بخورید و تا وقتی همه چای روضه را نمی‌خوریم، سماور را خاموش نمی‌کردند. ما همچنین در محرم، دهگی داشتیم و روز آخر هم آبگوشت درست می‌کردیم که صفای عجیب و غریبی داشت.

در حال حاضر هم هیئت خانوادگی دارید؟

بله خداوند این توفیق را به ما داده که نام هیئت در زندگی مان زیاد بیاید. ان شاءالله که واقعاً هیئتی و اهل ولایت نیز باشیم. از آنجا که ما خانواده‌ای پرجمعیت داریم، بعد از فوت پدر ممکن بود میان خانواده‌ها جدایی بیفتد، اما با تدبیر برادرم، قرار شد ماهی یک‌بار هیئت خانوادگی بگیریم و همگی دور هم جمع شویم و هر کس که نذری دارد، بانی شود. پدرم همیشه می‌گفتند اگر نذر دارید در خانواده بدهید. ایشان کلاً به روابط خانوادگی تأکید داشتند و می‌گفتند به فامیل سر بنزید و از هم غافل نشوید.

اگر چه کرونا به تعطیلی یا کم‌رنگ شدن روضه‌های خانگی

نذر ایشان چقدر خوب مستجاب شد.

ایشان اعتقاد خاصی به نذر کردن داشتند. حتی برادرم علیرضا را نیز از امام رضا (ع) گرفتند. پدرم بعد از چند دختر، برای داشتن فرزند پسر نذر می‌کنند که در نهایت آقای پناهیان به دنیا می‌آیند. البته برادرم بیمار می‌شوند و پدرم دوباره نذر می‌کنند تا خداوند پسرشان را به ایشان ببخشد که این اتفاق می‌افتد و آن پسر می‌شود همان آقای پناهیانی که امروز می‌شناسید.

به همان بحث قبلی یعنی سبک زندگی خانواده پناهیان برگردیم. رابطه پدر شما با فرزندان چطور بود؟

رابطه آقایان با فرزندان خوب و صمیمانه بود ایشان جایگاه ویژه‌ای نزد فرزندان داشتند. نکته جالب اینکه ما بعد از فوت ایشان فهمیدیم هر کدام از دخترها خلوتی پیش پدرمان داشته‌اند و پدرمان به هر دختری یک صفت داده‌اند؛ مثلاً به من می‌گفتند آهوی زندگی ام هستی و من فکر می‌کردم تنها برای من صفت گذاشته‌اند، اما این طور نبود. ایشان به سفارش اهل بیت (ع) در رفتار با دخترها بسیار حساس بودند و این توصیه را سرلوحه خود قرار می‌دادند. در مجموع رفتار پدر از ایشان برای ما وجودی ارزشمند و مقدس ساخته بود؛ به طوری که وقتی کاری را سفارش می‌کردند، یقین داشتیم که آن کار، بارز و مهم است و باید از ایشان الگو بگیریم.

نظر ایشان درباره کار شما به عنوان فعال دینی چه بود؟

ایشان همیشه می‌خواستند سخنرانی مرا گوش دهند، اما بنده، هم خجالت می‌کشیدم و هم می‌ترسیدم؛ چون باید درس پس می‌دادم. در نهایت خودشان یک‌بار بدون اطلاع آمدند و پای سخنرانی من نشستند و البته خیلی راضی بودند و توصیه مهمی هم

بایاد اهل بیت (ع) به فرزندانمان جایگاه والا ببخشیم

می‌توانیم بچه‌هایمان را نذر اهل بیت (ع) کنیم و به احترام اینکه بچه‌هایمان نذری اهل بیت (ع) هستند، یک جاهت و جایگاه خاصی به آن‌ها بدهیم. چه بسا دیگر خودمان را مالک آن‌ها نمی‌دانیم و دیگر نمی‌گوییم این بچه برای خودم است و هر طور دلم بخواهد با او برخورد می‌کنم.»

زهرا (س) با فرزندانمان برمی‌گردد؛ اینکه ایشان چطور بچه‌ها را صدا می‌زنند و چه القابی به بچه‌ها می‌دهند. چه بسا که ما نیز به عزت ذکر اهل بیت (ع) و الگو برداری از ائمه (ع)، باید ادب و احترام خاصی برای فرزندان و خانواده قائل باشیم.» ایشان اضافه می‌کنند: «ما حتی

خانم پناهیان انس با اهل بیت (ع) و الگو برداری از سبک زندگی این بزرگواران را لازمه زندگی همه شیعیان می‌داند و معتقد است که برای سعادت‌مندی باید در این جهت گام برداشت. او می‌گوید: «ما همیشه به خانم‌ها می‌گوییم که بخشی از حدیث کسا به شیوه ارتباط فاطمه